

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عبد الرحمن

117230



دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه ادبیات و زبان فارسی

## پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

## عنوان:

بررسی تطبیقی شاهنامه ی فردوسی از آغاز تا پایان پادشاهی منوچهر با  
کتاب های تاریخی قرن ۴ و ۵ هجری

## استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد طاهری

## استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر لیلا هاشمیان

## پژوهشگر:

داود اصلی زاده

مهر ۸۷

۱۳۸۸ / ۵ / ۱۲

استاد مشاوران: دکتر علی بیگلر  
تسبیح مراد

۱۱۶۲۳۵



دانشگاه بو علی سینا

## دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

### مدیریت تحصیلات تکمیلی

با یاری خداوند بزرگ، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی **داود اصلی زاده** به شماره دانشجویی **۸۵۳۳۲۶۹۰۰۱** در رشته‌ی **زبان و ادبیات فارسی** دوره‌ی کارشناسی ارشد، در تاریخ **۸۷/۷/۲۷**، ساعت **۱۸-۲۰** در سالن کنفرانس دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بو علی سینا همدان برگزار شد.

**این پایان‌نامه با عنوان:**

**بررسی تطبیقی شاهنامه فردوسی با کتابهای تاریخی قرن ۴ و ۵ از آغاز تا پایان**

**پادشاهی منوچهر**

مورد تأیید هیات داوران قرار گرفت و با نمره **۱۸٫۵** و درجه‌ی **۵** به تصویب رسید.

**داوران:**

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمد طاهری

استادان مشاور: سرکار خانم دکتر لیلا هاشمیان

استاد داور داخلی: جناب آقای دکتر اسماعیل شفق

استاد داور خارجی: جناب آقای دکتر قهرمان شیری

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده: جناب آقای دکتر رحمان بختیاری

۱۳۸۸ / ۵ / ۱۲

تسویه دارک  
تسویه دارک

## تقدیم به :

همه‌ی معلّمانی که چون شمع می‌سوزند و روشنی بخش

راه آینده سازان ایران عزیز می‌شوند.

## سپاسگزاری:

حمد و سپاس خداوندی را که در هیچ حال بندگان خود را از یاد نمی‌برد. بر خود واجب می‌دانم، که از همه‌ی کسانی که در دوران تحصیل برایم زحمت کشیده‌اند تشکر و قدردانی کنم. از جناب آقای دکتر محمد طاهری که استاد راهنمای من هستند و بیشترین زحمت این پایان نامه را کشیدند تشکر ویژه دارم. از سرکار خانم دکتر هاشمیان که استاد مشاور بنده بودند و از جناب آقای دکتر اسماعیل شفق و دیگر عزیزانی که از محضرشان درس‌ها آموختم تشکر می‌کنم. همچنین از پدر و مادرم که هیچ‌گاه مرا در دعای خیرشان فراموش نکرده‌اند و از دخترم و همسرم که با همه‌ی سختی‌ها همواره یار و یاور و مشوق من است و در بازخوانی این پایان‌نامه مرا یاری کرده است، سپاسگزارم.

نام خانوادگی: اصلی زاده

نام: داود

عنوان پایان نامه: بررسی تطبیقی شاهنامه‌ی فردوسی از آغاز تا پایان پادشاهی منوچهر با

کتاب‌های تاریخی قرن ۴ و ۵ (هـ.ق)

استاد راهنما: دکتر محمد طاهری

استاد مشاور: دکتر لیلا هاشمیان

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: -----

دانشگاه: بوعلی سینا

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۷/۷/۲۷

تعداد صفحات: ۱۶۶

#### چکیده:

پیوند ادبیات و تاریخ در ایران از گذشته وجود داشته است و این پیوند جدایی ناپذیر است. ادیبان فارسی زبان همواره از متون تاریخی بهره‌های ادبی فراوان برده‌اند؛ و مورخان نیز در هر دوره‌ای از ادبیات و متون ادبی بی‌نیاز نبوده‌اند. هر مورخی برای شناختن اوضاع و احوال تاریخی، اجتماعی و سیاسی هر دوره‌ای ناگزیر است که از متون ادبی آن دوره آگاهی کافی داشته باشد. بسیاری از رخدادهای تاریخی را ادبا و شعرا در آثارشان بهتر از هر مورخی آورده‌اند. شاهنامه فردوسی نیز از جمله آثاری است که هم جنبه ادبی آن شهرت جهانی دارد و هم جنبه تاریخی و اسطوره‌ای آن.

بخش اسطوره‌ای شاهنامه از جمله بحث‌هایی است که در کتاب‌های تاریخی (قرن ۴ و ۵ هجری قمری) نیز به گونه‌های مختلف آمده است. نگارنده در این پژوهش کوشیده است که با مقایسه‌ای دقیق بخش اسطوره‌ای شاهنامه را از پادشاهی کیومرث تا پایان پادشاهی گرشاسب، با کتاب‌های مهم تاریخی قرن ۴ و ۵ هجری قمری بررسی کند و وجوه اشتراک و افتراق آنها را مشخص نماید و راز ماندگاری و مقبولیت شاهنامه فردوسی را نسبت به کتاب‌های تاریخی معاصرش بیان کند.

#### واژه‌های کلیدی:

شاهنامه، فردوسی، بخش اسطوره‌ای (پیشدادیان) - منابع مهم تاریخی قرن ۴ و ۵ هجری قمری

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	چکیده
ب	مقدمه
ح	بررسی و نقد منابع تاریخی مورد پژوهش
۱	۱- فصل ۱- پادشاهی کیومرث
۲	۱-۱ کیومرث به روایت شاهنامه
۳	۲-۱ کیومرث به روایت منابع تاریخی قرن ۴ و ۵
۸	۳-۱ مقایسه ی روایت فردوسی از پادشاهی کیومرث با کتاب های تاریخی
۱۰	۴-۱ خلاصه
۱۳	۲- فصل ۲- پادشاهی هوشنگ
۱۳	۱-۲ هوشنگ به روایت منابع فردوسی
۱۴	۲-۲ هوشنگ به روایت منابع تاریخی
۱۵	۳-۲ مقایسه ی روایت فردوسی از پادشاهی هوشنگ با منابع تاریخی
۱۶	۴-۲ خلاصه
۱۸	۳- فصل ۳- پادشاهی تهمورث
۱۹	۱-۳ تهمورث به روایت فردوسی
۲۰	۲-۳ تهمورث در منابع تاریخی قرن ۴ و ۵
۲۱	۱-۲-۳ دیو
۲۳	۳-۳ مقایسه پادشاهی تهمورث در شاهنامه و منابع تاریخی
۲۵	۴-۳ خلاصه

۲۶	۴- فصل ۴- پادشاهی جمشید
۲۷	۴-۱ جمشید به روایت شاهنامه
۲۸	داستان پرواز جمشید
۲۹	۴-۲ جمشید به روایت تاریخ
۳۳	۴-۳ مقایسه جمشید در شاهنامه با کتاب های تاریخی
۳۶	۴-۴ خلاصه
۳۷	۵- فصل ۵- پادشاهی ضحاک
۳۸	۵-۱ ضحاک به روایت فردوسی
۴۱	۵-۱-۱ داستان کاوه آهنگر در شاهنامه
۴۳	۵-۱-۲ کاوه و درفش کاویانی در منابع تاریخی
۴۵	۵-۱-۳ مقایسه داستان کاوه و درفش کاویانی در شاهنامه با منابع تاریخی
۴۸	۵-۱-۴ ادامه داستان کاوه آهنگر
۴۹	۵-۲ ضحاک به روایت منابع تاریخی
۵۱	۵-۳ مقایسه ضحاک در شاهنامه و کتاب های تاریخی
۶۵	۶- فصل ۶- پادشاهی فریدون
۶۶	۶-۱ فریدون به روایت شاهنامه
۶۹	۶-۲ داستان ایرج
۷۲	۶-۳ داستان به دنیا آمدن منوچهر و کین خواهی او
۷۶	۶-۴ فریدون به روایت منابع تاریخی
۸۰	۶-۵ مقایسه فریدون در شاهنامه و منابع تاریخی
۸۶	۶-۶ خلاصه
۸۷	۷- فصل ۷- پادشاهی منوچهر
۸۸	۷-۱ پادشاهی منوچهر به روایت فردوسی



۸۸	۱-۱-۷ داستان سام و زال
۹۱	۲-۱-۷ داستان زال و رودابه
۹۵	۳-۱-۷ رای زدن زال با موبدان در کار رودابه
۹۹	۴-۱-۷ دیدار سام با منوچهر و بازگشت او به قصد جنگ با مهرباب کابلی
۱۰۰	۵-۱-۷ آگاه شدن زال از قصد منوچهر و سام
۱۰۴	۶-۱-۷ رفتن زال به سوی منوچهر
۱۰۶	۷-۱-۷ مراسم خواستگاری زال و رودابه
۱۰۷	۸-۱-۷ داستان به دنیا آمدن رستم
۱۱۰	۲-۷ پایان زندگی منوچهر
۱۱۱	۳-۷ پادشاهی منوچهر به روایت منابع تاریخی
۱۱۵	۴-۷ مقایسه پادشاهی منوچهر در شاهنامه و منابع تاریخی
۱۱۸	۵-۷ خلاصه
۱۲۰	۸ - فصل ۸- پادشاهی نوذر
۱۲۱	۱-۸ پادشاهی نوذر به روایت فردوسی
۱۲۵	۲-۸ کشته شدن نوذر
۱۲۶	۸ - ۲ - ۱ کشته شدن اغریث
۱۲۷	۳-۸ پادشاهی نوذر در منابع تاریخی قرن ۵هـ
۱۲۸	۴-۸ خلاصه
۱۲۹	۹- فصل ۹- پادشاهی زو
۱۳۰	۱-۹ زو به روایت فردوسی
۱۳۰	۲-۹ زو در منابع تاریخی
۱۳۱	۳-۹ مقایسه زو در شاهنامه و منابع تاریخی
۱۳۳	۴-۹ خلاصه

۱۳۴	۱۰- فصل ۱۰- پادشاهی گرشاسب
۱۳۵	۱-۱۰ گرشاسب به روایت فردوسی
۱۳۵	داستان انتخاب رخس رستم
۱۳۷	۱-۱۰- ۱ نخستین ماموریت رستم
۱۳۸	۲-۱۰ گرشاسب به روایت تاریخ
۱۳۹	۳-۱۰ مقایسه گرشاسب در شاهنامه با منابع تاریخی
۱۴۱	۴-۱۰ خلاصه
۱۴۲	۱۱- نتیجه گیری کلی
۱۴۳	نتیجه
۱۵۱	پیوست ها
۱۵۲	پیوست ۱
۱۵۲	اسطوره چیست
۱۵۳	تعریف حماسه
۱۵۵	جدول نمودار شماره ۱
۱۵۶	پیوست ۲: تحلیل جدول شماره ۱
۱۵۹	جدول نمودار شماره ۲
۱۶۰	پیوست ۳: تحلیل جدول شماره ۲
۱۶۲	کتابنامه
۱۶۷	چکیده انگلیسی

کزین برتر اندیشه برنگذرد

به نام خداوند جان و خرد

خداوند روزی ده رهنمای

خداوند نام و خداوند جای

۱-۲/۱

شاهنامه فردوسی، یکی از بزرگترین حماسه های جهان و بیانگر تاریخ اسطوره ای ایران باستان است که در نوع خود در ادبیات کلاسیک جهان کاملاً یگانه است. این اثر گرانبها که از آغاز آفرینش تا پایان پادشاهی ساسانیان را در بر می گیرد؛ آینه ای برای نشان دادن هویت فردی و ملی ایرانیان که آمیزه ای است از تاریخ و افسانه و اسطوره.

تاریخ را این گونه تعریف کرده اند: «ثبت جنگها، گفته ها و رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اوضاع و احوال اخلاقی و فکری جوامع است.»<sup>۱</sup> هرچند بسیاری از این ویژگی ها در شاهنامه فردوسی مشهود است اما باید گفت که روایات شاهنامه با تاریخ به معنی دقیق آن تفاوت دارد. «حماسه معمولاً در پی آوردن «کهن نمود» های خدایی- پهلوانی قوم خود، منعکس در گونه های متنوع داستانی است، و وجود این کهن نموده‌هاست که محور و ستون اصلی وقایع حماسی قرار می گیرد و حماسه خود معمولاً کاری به حقایق تاریخی و تحول آنها ندارد. کوشش آن القای این الگوهای اجتماعی رفتاری، اخلاقی و فکری است. در حالی که تاریخ معمولاً به گرد آوری و ثبت وقایعی که واقعاً رخ داده و همانطور که رخ داده می پردازد و می کوشد با بررسی این مدارک مسیر رخ دادهای اجتماعی- تاریخی قومی را که در نظر دارد روشن کند و به تجزیه و تحلیل آن پردازد.»<sup>۲</sup>

۱- جی، آ، بویل، تاریخ ایران (جلد سوم - قسمت اول) ص ۴۸۰

۲- بهار، دکتر مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران ص ۸۱

فردوسی به تصویر کشنده داستانهای باستانی و حماسی است. پیش از او مردان بزرگی همچون مسعودی مروزی، ابوالموید بلخی، ابوعلی بلخی و دقیقی توسی؛ حماسه ملی ایران را به شعر و نثر نوشته اما متأسفانه بجز گشتاسبنامه ی دقیقی این آثار گرانبها از بین رفته اند و بجز چند بیت شعر و نام چیز دیگری از آنها باقی نمانده است.

و البته بقای گشتاسبنامه ی دقیقی نیز مدیون امانتداری فردوسی است که به طفیل شاهنامه فردوسی از گزند حوادث مصون مانده است. از شاهنامه ابومنصوری نیز که منبع اصلی فردوسی بوده است مقدمه ای بیشتر باقی نمانده و با توجه به سیل های حوادثی که در کشور ایران به وجود آمده است اگر فردوسی دست به انجام چنین کار بزرگی نمی زد شاید از تاریخ ملی و حماسی ایران بجز نام و داستانهای پراکنده چیزی باقی نمی ماند.

چنانکه می دانیم سابقه ی تدوین تاریخ ملی و حماسی ایران به اواخر عهد ساسانیبر می گردد. ابتدا در عهد خسرو اول انوشیروان (۷۹-۵۳۱ م.) و سپس در زمان یزدگرد سوم (۵۱-۶۳۲ م.) که دستور به جمع آوری داستانهای ملی و اساطیری ایران باستان داد و تعدادی از موبدان و دانشمندان آن زمان را مامور به انجام چنین کاری کرد. ایشان نیز داستانهای ایران باستان را که به صورت شفاهی سینه به سینه نقل می شد با نام خوتای نامک (خدای نامه = شاهنامه) جمع آوری کردند. این داستانها به صورت شفاهی بود که توسط خنیاگران و گوسانها<sup>۱</sup> برای مردم و درباریان روایت می شد. چون روایات به صورت شفاهی بود هر یک از خنیاگران و گوسانها برای بهتر اجرا کردن نمایش و روایت خود مطلبی به آن اضافه می کردند و این سبب می شد که روایات با هم فرق داشته باشند. این امر باعث شد تا در زمان یزدگرد سوم روایات مختلف را جمع آوری کنند و کتاب خدای نامه را تدوین

۱- گوسان، کوسان: موسیقی دان، خنیاگر، نوعی از خوانندگی (دهخدا لغتنامه)

نمایند. بهترین ترجمه ای که از این کتاب از زبان پهلوی به عربی صورت گرفته بود ترجمه ابن مقفع بود که متأسفانه فقط نامی از آن باقی مانده است.

شاهنامه فردوسی از چند جهت دارای اهمیت است: اول این که سند هویت تاریخی و فرهنگی مردم ایران است؛ هویتی که ریشه در اعماق تاریخ بشریت و تمدن دارد. همانگونه که می دانیم تمدن به یکباره به وجود نمی آید. لازمه ی تمدن، داشتن اصالت و ریشه چندین هزار ساله اقوام است. دیگر این که شاهنامه به زبان فارسی سروده شده است و در واقع زنده کننده فرهنگ و زبان ایرانی است.<sup>۱</sup> یکی از دلایل راز ماندگاری شاهنامه فردوسی شعر بودن آن است. تاثیر شعر بیشتر از نثر است. شاید این سوال برای خوانندگان پیش آید که شاعران بسیاری هستند که شعر، فراوان گفته اند اما نامی از ایشان نیست. در جواب باید گفت که شعرشان در برابر شعر فردوسی هیچ بوده است. مردم فارسی زبان با شعر فردوسی زندگی؛ و شاهنامه را همچون کتابهای مقدس نگهداری می کنند. سخن فردوسی از دل برآمده است، جزء اعتقادات او بوده و حاصل زندگی شاعر حماسه سرای ایران است. دلیل دیگر مورد توجه قرار گرفتن شاهنامه نسبت به سایر آثار تاریخی معاصران فردوسی این است که آثار تاریخی بیشتر به زبان عربی با نثر خشک و بی روح نوشته شده اند. مورخانی مانند طبری، یعقوبی، مسعودی، حمزه اصفهانی و ... آثارشان به زبان عربی نوشته شده و این خود باعث کم توجهی مردم ایران به آنان شده است.

---

<sup>۱</sup> - ر.ک مینوی، مجتبی، فردوسی و شعر او ص ۱۴ و اسلامی ندوشن، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه صص ۴-۲

تا زمانی که زبان فارسی و فارسی زبانان هستند شاهنامه نیز هست و به گفته فردوسی:

نمیرم از این پس که من زنده ام      که تخم سخن را پراکنده ام

پی افکندم از نظم کاخی بلند      که از باد و باران نیابد گزند

هدف نگارنده در این پژوهش مقایسه ای تطبیقی بین بخش اول شاهنامه (بخش اسطوره ای) با امهات کتابهای تاریخی قرن ۴ و ۵ هجری قمری معاصر فردوسی است و معتقدیم که در بسیاری از موارد فردوسی حق مطلب را بهتر از مورخین ادا کرده است چرا که «مورخ و پژوهشگر می کوشد تا داستانهای حماسی را به گونه اتفاقات تاریخی بازشناسد.»<sup>۱</sup>

فردوسی در سرودن شاهنامه همه جا جانب امانت را نسبت به منابع خود حفظ کرده است. اما ظاهراً در بعضی از موارد مانند شرح حال پهلوانان سیستان همچون زال، رستم و ... از منابع شفاهی استفاده کرده است.

با توجه به پژوهش های به عمل آمده، مآخذ اصلی فردوسی، شاهنامه ی ابومنصوری بوده است که این نیز از خدای نامه های تدوین شده در زمان ساسانیان و روایات معتبر استفاده نموده است. کتاب خدای نامه مآخذ بسیاری از مورخان مورد تحقیق ما نیز بوده است. اشخاصی مانند طبری، حمزه اصفهانی و ثعالبی آشکارا به استفاده از خدای نامه و سیرالملوک ها اشاره نموده اند.

با این حال؛ مسلماً فردوسی در سرودن شاهنامه، علاوه بر شاهنامه ی مثنوی ابومنصوری، از منابع مکتوب دیگری که از بین رفته اند و ما نشانه ای از آنها در دست نداریم، استفاده کرده است. دکتر ذبیح اله صفا در این باره معتقد است که: «سخن گفتن درباره ی مآخذ شاهنامه تا حدودی مشکل به نظر می رسد؛ زیرا کتابهایی که فردوسی از آنها استفاده کرده است به طور کامل از بین رفته است.

---

۱- کویاجی، ج. ک، آیین ها و افسانه های ایران و چین باستان ص ۱۶۶

هر چند در جای جای شاهنامه به کتابی با نام های: نامه خسروی، نامه خسروان، نامه ی پهلوی، نامه شهریار، نامه راستان، نامه ی شاهوار و یا مطلق «نامه» اشاره کرده است؛ اما منظور از همه ی موارد مذکور، اشاره به شاهنامه ی ابومنصوری است.<sup>۱</sup>

روش کار در این پژوهش بدین صورت است که، از پادشاهی کیومرث تا پایان پادشاهی گرشاسب نخست، هر پادشاهی را جداگانه، از روایت فردوسی معرفی کرده، و سپس روایات و منابع مهم تاریخی قرن ۴ و ۵ را درباره ی همان پادشاه آورده و در بخش بعدی به مقایسه ی روایت فردوسی با منابع تاریخی پرداخته است و در پایان از این مقایسه نتیجه گیری بدست آمده را آورده است. نگارنده سعی کرده است که تمام جزئیات مربوط به هر پادشاهی را چه از نظر فردوسی و چه در منابع مهم تاریخی کاملاً مورد بررسی قرار دهد، و امیدوار است که قدمی در راه حفظ ارزشهای ادبی و تاریخی، فرهنگ و ادب این مرز و بوم برداشته باشد.

## ۲- بررسی و نقد منابع تاریخی مورد پژوهش:

در این پژوهش از کتاب های تاریخی که در قرن ۴ و ۵ هجری نوشته شده است استفاده شده که عبارتند از:

۱- تاریخ الرسل و الملوک طبری، ترجمه صادق نشات و همچنین تاریخ طبری ۱۴ جلدی، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تاریخ طبری از مفصل ترین کتاب های تاریخی است که توسط محمد بن جریر طبری به زبان عربی نوشته شده است. « طبری هم از منابع شفاهی بهره برده و هم از منابع مکتوب و همین استفاده نشان می دهد که میان روایات گوناگون تا اندازه ای اختلاف وجود داشته و به تبعیت

<sup>۱</sup> - صفا، حماسه سرایی در ایران ص ۲۰۴

از روش تاریخ نگاران اسلامی نخستین، بی آن که به تطبیق میان روایات بپردازد به نقل آنها پرداخته است.<sup>۱</sup>

به نظر نولدکه طبری بیشتر با علوم نقلی دینی سر و کار داشته است و خودش اهل تحقیق نبوده است.<sup>۲</sup> البته از ارزش کار طبری چیزی کاسته نمی شود.

۲- تاریخ بلعمی: این کتاب در سال ۳۵۲ ق به وسیله ابوعلی بلعمی از کتاب تاریخ طبری ترجمه شده است. اما ابوعلی بلعمی مطالبی هم به آن اضافه کرده است و از منابعی غیر از منابع طبری استفاده نموده است به همین خاطر دیگر نمی توان گفت که ترجمه تاریخ طبری است. پژوهنده در این پژوهش از کتاب تاریخ نامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی تصحیح محمد روشن بیشتر استفاده کرده است تا کتاب تاریخ بلعمی دو جلدی تصحیح ملک الشعرا بهار زیرا این تصحیح بعد از کار مرحوم بهار چاپ شده و نقایصی را که در تصحیح بهار وجود داشته بر طرف کرده است.

۳- کتاب زین الاخبار: از ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی است. این کتاب هم از حیث روش فارسی نویسی که به صورت ساده و روان نوشته شده است اهمیت دارد و هم از نظر نکات تاریخی که در برخی از کتاب های تاریخی دیگر نیست. متأسفانه قسمت هایی از این کتاب از بین رفته است که شامل قسمتی از پیشدادیان است. از شرح حال گردیزی هم چیزی بر جای نمانده است. کتاب او نیز از نظر ادبی هم جزء بهترین نمونه های نثر ساده و فصیح قرن ۴ و ۵ است.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> - یارشاطر، احسان، تاریخ ایران کمبریج جلد سوم قسمت اول ص ۴۷۲

<sup>۲</sup> - نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان ص ۱۳

<sup>۳</sup> - بهار، محمد تقی، سبک شناسی جلد دو ص ۵۰



۴- التنبیه و الاشراف و مروج الذهب از ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (م. ۳۴۶). مسعودی مورخ بزرگ قرن ۴ است. مسعودی در زمینه تاریخ نگاری، دانش گسترده ای دارد. اطلاعات مهمی درباره تاریخ ایران از آثار او به دست می آید. مسعودی به دلیل مسافرت هایی که به مولتان، فارس، کرمان، هندوستان و تا نزدیک چین داشته است اطلاعات زیادی به دست آورده است. بسیاری از آثار فارسی که از میان رفته است در کتاب های مسعودی نامشان وجود دارد.<sup>۱</sup>

۵- سنی ملوک الارض و الانبیا (تاریخ پیامبران و شاهان) اثر حمزه بن حسن اصفهانی (م. ۳۶۰)

اهمیت این کتاب در این است که از برخی منابع کهن از جمله «خدای نامه» قدیم ترین کتاب درباره ساسانیان استفاده شده است. بیشتر مولفان کتاب های تاریخی از قرن چهارم به بعد از این اثر ارزشمند استفاده کرده اند.

۶- «البدء و التاریخ» (آفرینش و تاریخ) اثر مطهرین طاهر مقدسی است این کتاب اثری موضوعی و تقریباً دایره المعارفی است. این کتاب را دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی ترجمه کرده و تعلیقات ارزشمندی به آن افزوده است. درباره ارزش این کتاب دکتر شفیعی مطالبی را نوشته اند که در این جا ذکر می شود: «چنان که از کتاب وی دانسته می شود وی بر مجموعه دانش های عصر خویش به ویژه منطق و کلام و فلسفه و نجوم و ادب عرب و فقه و تفسیر و حدیث و تاریخ و جغرافیا احاطه کامل دارد و مردی است «دایره المعارفی» و در بعضی از رشته ها تسلطی چشم گیر دارد.»<sup>۲</sup>

۱- خانلری (کیا)، دکتر زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی دری انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ص ۴۶۳

۲- آفرینش و تاریخ مجلد اول تا سوم صص ۳۸-۹

۷- آثار الباقیه اثر ابوریحان بیرونی که حدوداً در سال ۳۹۰ هجری قمری نوشته شده است. این کتاب در باره گاه شماری، تقویم، جشن‌ها، و همچنین باورهای ادیان گوناگون مطالب ارزشمندی به خواننده خود ارائه می‌دهد. «روش او در تحقیق به حدی دقیق و اقوال وی تا به درجه ای موثق است که هیچگاه ارزش علمی خود را از دست نخواهد داد.»<sup>۱</sup>

۸- اخبار الطوال اثر ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (م. ۲۸۲ ق) است. دینوری این کتاب را در تاریخ عمومی به زبان عربی از زمان آدم (ع) تا قتل افشین و معتصم در سال ۲۲۷ قمری نوشته است. «ابوحنیفه وقایع را از هم جدا نمی‌کند و رشته مطلب را نمی‌گسلد، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می‌کند و بدون انقطاع ختم می‌کند. وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می‌کند و حوادث تاریخی را به اختصار می‌گوید و بیشتر به وضع اجتماعی و شرح امارات و حکمرانی‌ها و ارتباط خلفا و ممالک دست‌نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می‌پردازد.»<sup>۲</sup> دینوری پادشاهان نخستین ایران را با شخصیت‌های بابلی یکی می‌داند. این کتاب توسط دکتر محمود مهدوی دامغانی به فارسی ترجمه شده است.

۹- غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم تألیف ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری، ترجمه محمد فضائلی که در حدود ۴۱۰ قمری به عربی نوشته شده است. این کتاب گزارش منظمی درباره تاریخ و افسانه‌های ایران از آغاز تا پایان دوره ساسانیان است. ثعالبی همچون فردوسی از شاهنامه ابومنصوری استفاده کرده است. در میان منابع مورد استفاده در این پژوهش نزدیک‌ترین منبع به سروده‌های فردوسی همین کتاب ثعالبی است که تقریباً مطالبش نزدیک به

<sup>۱</sup> - صفا، دکتر ذبیح‌اله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول ص ۳۳۹

<sup>۲</sup> - خانلری (کیا)، دکتر زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی دری ص ۳۶

گفته‌های فردوسی است و این بیان‌کننده این مطلب است که هر دو از یک ماخذ استفاده نموده‌اند.

البته تعالیمی در پاره‌ای موارد، مطالب را کوتاه‌تر از فردوسی نوشته‌است؛ و در پاره‌ای جزئیات با

سروده‌های فردوسی اختلاف دارد.

## فهرست نشانه های اختصاری

ج : جلد

چ : چاپ

س : سال

ش : شماره

ص : صفحه

صص : صفحات

م : میلادی

ه.ق : هجری قمری

/: در ارجاع ابیات عدد سمت راست ممیز بیان کننده ی شماره ی صفحات و اعداد سمت چپ ممیز

نشان دهنده ی شماره ی ابیات است (تمامی این اعداد بر اساس شاهنامه چاپ مسکو به کوشش

دکتر سعید حمیدیان است).